

## مشکل عدم اجابت دعای پیامبر در حدیث غدیر!

### حیدر حب الله

#### ترجمه: سعید نورا

سوال<sup>۱</sup>: در حدیث آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله دست علی را گرفت و با دست بلند کرد و فرمود: «اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره واخذل من خذله، ألا وإي فرطكم وأنتم واردون عليّ الحوض، حوضي غداً وهو حوض عرضه ما بين بصرى وصنعاء، فيه أقداح من فضة عدد نجوم السماء، ألا وإني سائلكم غداً ماذا صنعتُم فيما أشهدت الله به عليكم في يومكم هذا إذا وردتم عليّ حوضي، وماذا صنعتُم بالثقلين من بعدي فانظروا كيف تكونون خلفتموني فيها حين تلقوني؟» قالوا: وما هذان الثقلان يا رسول الله؟ قال: «أما الثقل الأكبر فكتاب الله عز وجل، سبب ممدود من الله ومني في أيديكم، طرفه بيد الله والطرف الآخر بأيديكم، فيه علم ما مضى وما بقي إلى أن تقوم الساعة، وأما الثقل الأصغر فهو حليف القرآن، وهو علي بن أبي طالب وعترته، وإنهما لن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض». سؤال: در این حدیث آمده است: «اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه»، این یک دعا است و دعای رسول خدا مستجاب است، اما در سیر تاریخی سیره امام علی علیه السلام خلاف آن را می بینیم. نظر شما در این باره

<sup>۱</sup> حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدين والاجتماع ۱: سوال ۲۷۴.

## چیست؟

### پاسخ:

در قرآن کریم نیز چنین دعاها و وعده‌هایی وجود دارد، حق تعالی فرمود: ﴿...وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (الحج: ۴۰)، مخصوصاً بر اساس تفسیر «نصر» به پیروزی. خداوند سبحان فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد: ۷)، حق تعالی فرمود: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ (غافر: ۶۰)، خداوند عز و جل می فرماید: ﴿إِنَّا لَنْنَصُرَنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ (غافر: ۵۱) و موارد دیگر و حال آن که برخی از رسولان خداوند به قتل رسیدند خداوند متعال می فرماید: ﴿الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ إِلَيْنَا لَأَن نُّؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّكْرِ قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنَّ كُنتُمْ صَادِقِينَ﴾ (آل عمران: ۱۸۳).

علما در این جا تفاسیر و تأویلاتی داشتند که مجالی برای پرداختن به آن‌ها نیست، تنها منظورم این بود که در متن قرآنی نیز هم چنین اشکالی وجود دارد، بنابراین این موضوع موجب تضعیف حدیث غدیر نمی شود بنابراین پاسخ در آنجا می تواند پاسخ در اینجا نیز باشد.

ب حدیث غدیر بیانگر نصرت و یاری خداوند نسبت به کسانی است که علی را یاری کردند و ناکامی و شکست برای کسانی است که علی را ناکام گذاشتند و ولایت خداوند نسبت به موالیان علی و دشمنی خداوند نسبت به دشمنان علی است اما زمان یاری وی را بیان نمی کند و هیچ دلالتی بر اختصاص دائمی آن به دنیا یا در زمان حیات امیر المومنین علیه السلام ندارد. نصرت در آخرت نیز وجود دارد (که در فرهنگ دینی معیار شکست و پیروزی حقیقی است) آنچنان که در آیه مبارکه مبنی بر یاری خداوند نسبت به رسولان و مومنین در روز قیامت گذشت. همچنان که نصرت در آخر الزمان نیز وجود دارد آنچنان که در بسیاری از نصوص دینی در مذاهب مختلف مطرح شده است.

همچنین در حدیث چگونگی تحقق این پیروزی توضیحی داده نشده است، بنابراین لزومی ندارد که پیروزی در جنگ باشد، بلکه ممکن است با انتقام گرفتن از آنها در دنیا و گرفتار کردن آنها به آنچه که نفرت دارند یا در نحوه مرگ آنها یا در خصوصیات زندگی آنها و غیره باشد.

به عبارت دیگر، چهار مفهوم در حدیث آمده است: نصرت، شکست، ولایت و دشمنی، اما ولایت و دشمنی، همیشه با نصرت دنیوی همراه نیست، خداوند همیشه در همه حال به صالحان دوستی و با کافران دشمنی می کند - چه رسول این دعا را بکند و چه نکند - اما با این وجود شاهد پیروزی ایمان بر کفر در هر زمانی نیستیم، اما مفهوم نصرت و شکست می تواند دنیوی یا اخروی باشد و معیار در نتیجه نهایی است. ممکن است این پیروزی دنیایی باشد توسط دولت حق در آخر الزمان محقق شود و ممکن است این پیروزی از طریق انتقام شخصی از این دشمن یا آن دشمن در همین دنیا محقق شود.

توجه داشته باشید که این حدیث نمی گوید که خداوند علی را بر دشمنان خود در زمان حیات خود علی بن ابیطالب پیروز می کند، بلکه برای پیروزی کسانی که علی را یاری می کنند و شکست کسانی که او را ناکام می کنند دعا می کند. این ممکن است امری شخصی باشد و ممکن است امری عام باشد.

چه بسا آنچه مؤید این تنوع مطلب است آنچه در این حدیث - صرف نظر از سندش - از جابر بن عبدالله انصاری آمده است که فرمود: خطبنا أمیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، فحمد الله وأثنی علیه، ثم قال: «ایها الناس، إن قدام منبرکم هذا أربعة رهط من أصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله، منهم: أنس بن مالک، والبراء بن عازب الأنصاري، والأشعث بن قیس الکندي، وخالد بن یزید الجلی، ثم أقبل بوجهه علی أنس بن مالک، فقال: یا أنس، إن كنت سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله يقول: من كنت مولاه فهذا عليّ مولاه، ثم لم تشهد لي اليوم بالولاية، فلا أمتك الله حتى یتتليک ببرص لا تغطیه العمامة. وأما أنت یا أشعث، فإن كنت سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله وهو يقول: من كنت مولاه فهذا عليّ مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، ثم لم تشهد لي اليوم بالولاية، فلا أمتك الله حتى یتتليک ببرص. وأما أنت یا خالد بن یزید، إن كنت سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله يقول: من كنت مولاه فهذا عليّ مولاه، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، ثم لم تشهد لي اليوم بالولاية، فلا أمتك الله

إلا ميتة جاهلية. وأما أنت يا براء بن عازب، إن كنت سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: من كنت مولاه فهذا عليّ مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه، ثم لم تشهد لي اليوم بالولاية، فلا أماتك الله إلا حيث هاجرت منه..» (شيخ صدوق، الأمالي: ١٨٤ - ١٨٥).

گویی امام علی علیه السلام - والله العالم - آنچه در دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر خم آمده را بر این چهار نفر از صحابه، به فرض شهادت ندادن آنها، تطبیق می کند که گرفتار مثل این مصائب و انواع انتقام الهی خواهند شد بنابراین هیچ ضرورتی برای فهم این شکست و دشمنی به معنای پیروزی در جنگ و حصول ولایت فعلی برای امام علی علیه السلام در زمان حیات ایشان وجود ندارد.